

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۹، زمستان ۱۳۸۷، ۹۹-۱۱۹

بررسی اثر سیاست‌های مالی دولت بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران

دکتر سعید صمدی* امین زاهد مهر** ایوب فرامرزی***

دریافت: ۸۶/۱۲/۱۰

پذیرش: ۸۷/۱۰/۳۰

توزیع درآمد / مخارج دولت / مالیات / آزمون علیت گرنجر / رشد اقتصادی / مدل

ARMA

چکیده

موضوع توزیع مجدد درآمد و رشد اقتصادی از مباحث مورد توجه در علم اقتصاد بوده است. در این تحقیق بر اساس مدل ساده‌ای نشان داده می‌شود که اگر توزیع درآمد به درستی اجرا شود و از افراد ثروتمند (که میل نهایی به مصرف پایین تری دارند) مالیات گرفته شود و به افراد کم‌درآمد (که میل نهایی به مصرف بالاتری دارند) پرداخت شود، هم به توزیع درآمد و عدالت اجتماعی کمک می‌شود و هم باعث رشد می‌شود. ولی براساس نتایج این تحقیق که با استفاده از داده‌های سری زمانی سال‌های (۱۳۸۶-۱۳۳۸) به دست آمده عکس روند اصلی در ایران دیده می‌شود. به این معنی که در

Samadi_sa@yahoo.com

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

Zahedmehre@econ.ui.ac.ir

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی

ayoub_faramarzi_121@yahoo.com

*** کارشناس ارشد علوم اقتصادی

■ امین زاهد مهر - مسئول مکاتبات.

کشور بیشتر درآمدهای دولت از افراد کم‌درآمد جامعه و بیشتر هزینه‌های دولت برای افراد ثروتمند جامعه بوده است، که این امر باعث نابرابری اجتماعی و همچنین کند شدن رشد اقتصادی شده است.

طبقه‌بندی JEL: H23, 040

مقدمه

در طول تاریخ مفهوم نقش دولت تغییر و تحول چشمگیری یافته است. مردم در سال‌های اخیر از دولت‌ها انتظار کار بیشتری داشته‌اند. حضور دولت‌ها چه از نظر کمی (حجم فعالیت‌ها) و چه از نظر کیفی (عمق و پیچیدگی وظایف) در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی به طور مداوم افزایش یافته است. جوامع بشری نیاز قطعی به تغییرات اصلاحی، اجتماعی و اقتصادی دارند، زیرا عمل آزاد بازارها همیشه متضمن انحرافات از مطلوب‌های اجتماع است و از آنجایی که در ایران دولت حجم بزرگی از اقتصاد را در دست دارد و کل درآمدهای نفتی نیز در دست دولت است، توجه به نوع سیاست‌های مالی و اثر آنها بر توزیع درآمد اهمیت بسیاری می‌یابد. هدف اصلی در این مقاله بررسی فرضیات زیر می‌باشد.

۱- منابع درآمدی دولت بیشتر از افراد پر درآمد جامعه گرفته می‌شوند تا افراد کم‌درآمد و متوسط.

۲- مخارج جاری دولت بر مصرف دهک‌های فقیر جامعه موثرتر از دهک‌های پردرآمد است.

۳- مخارج جاری دولت اثر مثبت و قوی بر رشد اقتصادی در ایران داشته است.

پس از اشاره به تحقیقات پیشین، در بخش سوم با کمک مدل ساده‌ای نشان داده می‌شود اگر منبع درآمد دولت از اقشار پردرآمد و محل هزینه‌های دولت اقشار متوسط و کم‌درآمد باشد، باعث توزیع درآمد عادلانه‌تر و تسریع رشد اقتصادی می‌شود. در بخش چهارم به تشریح مدل‌ها و روش‌های بررسی فرضیات پرداخته شده و در بخش پنجم یافته‌های الگو و در بخش بعدی نیز، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات گوناگون نظری و تجربی همانند مطالعات واگنر، پیکاک و وایزمن، روستو و ماسگریو^۱، به بررسی علل رشد مخارج دولت پرداخته و کرمندی^۲، به بررسی کارایی

1. Wagner (1890). Peacock and Wiseman (1961). Rostow and Musgrave (1981).

2. Kormendi (1983).

سیاست‌های دولت و تأثیر آن بر مصرف بخش خصوصی و رام و انوار^۱ به بررسی اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند.

آنچه از نتایج این مطالعات برداشت می‌شود، دلالت بر ارتباط اندازه دولت و رشد اقتصادی دارد، بایرام^۲، اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی بیست کشور آفریقایی را، با استفاده از سری زمانی ۸۵-۱۹۶۰ مورد بررسی قرار داده است. در یازده کشور، افزایش مخارج دولت اثر معکوس بر روی رشد اقتصادی داشته و در نه کشور اثر مثبت داشته است.

گوتیرز^۳، تحقیقی با عنوان ارزیابی رابطه بین فقر، توزیع ثروت و رشد اقتصادی؛ مطالعه‌ی موردی مکزیک دوره زمانی ۱۹۹۴-۱۸۹۵، در دانشگاه کمبریج انجام داده است. نتیجه‌ی اصلی این تحقیق آن است که هر چند در کوتاه مدت، تأثیر رشد اقتصادی بر فقر مثبت است اما بخشی از آن با کاهش نابرابری خنثی می‌شود و در بلند مدت رشد اقتصادی باعث کاهش فقر و نابرابری اقتصادی می‌گردد.

استراوس^۴، به بررسی تأثیر مخارج و درآمدهای دولت بر رشد اقتصادی شصت و چهار کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌پردازد. نتایج این مطالعه دلالت بر اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورها دارد. در کشورهای در حال توسعه، مخارج دولت سهم بالایی از بودجه را در بر داشته و این کشورها، سعی در تعادل بودجه دارند.

کامران دادخواه^۵، در دانشگاه شمال شرقی ایالت بوستن مطالعه‌ای با عنوان توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایالات متحده طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۴۷ انجام داده است. نتایج این تحقیق موید دو نظریه می‌باشد: (۱) بین توزیع برابرتر درآمد و رشد اقتصادی، یک رابطه‌ی دو طرفه‌ی مثبت وجود دارد (۲) توزیع برابر درآمد باعث کاهش پس‌انداز کل نخواهد شد.

-
1. Ram (1986). Anwar (2003).
 2. Bairam (1990).
 3. Gutierrez (2001).
 4. Strauss (2001).
 5. Dadkhah (2001).

پانیزا^۱، تحقیقی با موضوع بررسی نابرابری و رشد اقتصادی بر پایه‌ی آمار اقتصاد ایالات متحده آمریکا انجام داده است. در این تحقیق برای ارزیابی رابطی بین نابرابری و رشد اقتصادی در ۴۸ ایالت آمریکا از داده‌های پانل^۲ برای دوره‌ی زمانی ۸۰-۱۹۴۰ استفاده شده است. نتایج این تحقیق هیچ‌گونه رابطی مثبتی بین نابرابری و رشد اقتصادی نشان نمی‌دهد. گارسیا و باندیریا^۳، در دانشگاه سائوپائولو تحقیقی با عنوان اصلاحات اقتصادی، نابرابری و رشد اقتصادی در آمریکای لاتین و کشورهای حوزه‌ی دریای کارائیب انجام دادند. داده‌های تحقیق شامل اطلاعات اقتصادی سیزده کشور آمریکای لاتین طی سال‌های ۹۵-۱۹۷۰ است. بر اساس نتایج این تحقیق هیچ‌گونه رابطی علی‌مستقیمی بین رشد اقتصادی و نابرابری وجود ندارد.

تحقیقات متعددی در این خصوص در ایران انجام شده است که از آن جمله می‌توان به جنانی (۱۳۷۳)، صالحی دشتی (۱۳۷۷) و حسینی (۱۳۷۸) اشاره کرد. نتایج بررسی آنان نشان می‌دهد مخارج جاری دولت اثری منفی و مخارج عمرانی اثری مثبت بر رشد اقتصادی داشته است.

پروین (۱۳۷۳) در تحقیق خود تلاش کرده است که ضمن اشاره به زمینه‌های نابرابری توزیع درآمد در اقتصاد ایران، به آثار توزیع مخارج و درآمدهای دولت اشاره کند. بر طبق نتایج به دست آمده بخش عمده‌ای از هزینه‌های دولت مربوط به ده درصد قشر پردرآمد مناطق شهری می‌باشد.

گرگی (۱۳۷۶) در تحقیق خود تلاش کرده است که درجه نابرابری درآمدها را با استفاده از تخمین ضرایب جینی اندازه‌گیری کند. این مطالعه نشان می‌دهد که مسیر و روند کلی تغییر در توزیع درآمدها در مناطق شهری و روستایی شبیه به هم هستند ولی توزیع درآمدها در مناطق شهری از نابرابری بیشتری نسبت به مناطق روستایی برخوردار بوده است و در طول زمان، توزیع مجدد درآمدها از گروه‌های کم درآمد به گروه‌های پردرآمد انجام گرفته است. ضرایب تخمینی در مناطق شهری و روستایی در طول زمان مورد بررسی

1. Panizza (2002).

2. Panel data

3. Garcia and Banderia (2004).

به طور مداوم افزایش یافته است. از دیگر یافته‌های این تحقیق این است که هم برای مناطق شهری و هم مناطق روستایی فشار مالیاتی بیشترین و سنگین‌ترین اثر را روی طبقات کم درآمد و سپس بر طبقات درآمدی متوسط و بالاخره اثرات بسیار ناچیزی بر روی طبقات پردرآمد داشته است.

نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷) با استفاده از داده‌های سری زمانی سال‌های ۷۵-۱۳۴۷ فرضیه‌ی کوزنتس را در ایران آزمون کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افزایش رشد اقتصادی به بهبود توزیع درآمدها کمک می‌کند و نامطلوب‌تر شدن توزیع درآمد موجب کندشدن رشد اقتصادی می‌گردد.

ابونوری و اژدری (۱۳۷۸) در تحلیل اثر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی با توجه به اطلاعات مقطعی ۸۶ کشور مورد مطالعه (از جمله ایران) در دوره‌ی ۹۳-۱۹۸۰ و همچنین اطلاعات سری زمانی ۷۵-۱۳۵۰ ایران نشان داده‌اند که اثر نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی منفی بوده است.

محمودی (۱۳۸۳) در پژوهشی به تحولات توزیع درآمد در ایران می‌پردازد. بر اساس نتایج شکل توزیع درآمد در ایران چوله به راست است و بین سطوح درآمد مناطق شهری و روستایی فاصله زیادی وجود دارد. درجه نابرابری درآمدی در ایران نسبتاً بالا بوده و به اعتقاد او سیاست‌های توزیعی پس از انقلاب به دلایل مختلف از جمله تجدید ساختار عجولانه پس از انقلاب، جنگ ایران و عراق (۶۷-۱۳۵۹)، تحریم اقتصادی (از ۱۳۶۰ به بعد) و سیاست‌های تعدیل اقتصادی (از ۱۳۶۸ به بعد)، چندان موفقیت‌آمیز نبوده است.

ارسلان‌بد (۱۳۸۳) توزیع درآمد را با استفاده از برخی شاخص‌های مربوط از جمله دهک‌ها، ضریب جینی و نسبت درآمد خانوارهای شهری به روستایی برای سال‌های مختلف محاسبه و روند تغییرات آن را با گذشت زمان مشخص کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ضریب جینی توزیع درآمد در ایران در دهه ۱۳۴۰ نزدیک به ۰/۴۵ بوده و در سال‌های اولیه دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ افزایش یافته است. سپس تا اواسط دهه ۱۳۷۰ با فراز و فرودهایی، روندی نزولی و در سال‌های اخیر روندی صعودی به خود گرفته است. ابریشمی و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی رابطه رشد و توزیع درآمد در ایران پرداخته‌اند.

در این خصوص آنها از آزمون علیت گرنجر و آزمون هم‌گرایی یوهانسن - جوسیلیوس استفاده کرده‌اند. یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد یک رابطه علی یک طرفه از سمت نابرابری درآمد به رشد اقتصادی وجود دارد. به عبارت دیگر، تغییرات در نابرابری، علت تغییرات در رشد اقتصادی است. با آزمون هم‌گرایی یوهانسن - جوسیلیوس جهت این اثر مشخص می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، افزایش نابرابری درآمد در بلندمدت، سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

نادران و فولادی (۱۳۸۴)، با استفاده از یک مدل تعادل عمومی، به بررسی آثار مخارج دولت بر تولید، اشتغال و درآمد خانوارها پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که افزایش مخارج مصرفی دولت، تولید ناخالص داخلی، اشتغال و درآمد خانوار را کاهش می‌دهد. ابونوری و خوشکار (۱۳۸۵) با استفاده از اطلاعات مقطعی استان‌های کشور، توزیع درآمد، ضریب جینی و سهم بیستک‌های درآمدی را محاسبه نمودند. بر اساس نتایج تحقیق نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص استانی، تورم و هزینه‌های دولتی بر نابرابری، اثر افزایشی داشته است.

شفیعی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله خود به مطالعه سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۸۲-۱۳۳۸ اقدام کرده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از میان ابزارهای سیاست مالی دولت، مخارج عمرانی و مالیات‌ها به ترتیب دارای اثر مستقیم و معکوس معناداری بر رشد اقتصادی هستند، ولیکن مخارج مصرفی اثر معناداری بر رشد اقتصادی ندارد.

داوودی و براتی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با استفاده از پیوند یک مدل اقتصاد کلان‌سنجی با یک شبیه‌ساز خرد به بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران می‌پردازند. یافته‌های محققین نشان می‌دهد اجرای سیاست‌های انقباضی پولی در عین حال که می‌تواند در جهت کاهش نابرابری عمل کند می‌تواند رشد اقتصادی را نیز کند نماید در حالی که اجرا سیاست‌های انبساطی مالی بدون مشکل گفته شده به کاهش نابرابری درآمد می‌انجامد. در مورد سیاست‌های ارزی نیز افزایش نرخ ارز در رژیم ارزی شناور باعث افزایش نابرابری می‌شود.

۲. ضریب تکاثری مخارج دولت

فرض کنید دو گروه در جامعه وجود دادند. تابع مصرف گروه یک برای کسانی در نظر گرفته می‌شود که مالیات نمی‌پردازند، ولی هزینه‌های مصرفی دولت جانشین مصرف برای آنان می‌شود و کل هزینه‌های دولت نیز مشابه درآمد انتقالی برای آنان خواهد بود. در مقابل، گروه دوم مصرف کنندگان، از کسانی تشکیل می‌شود که کلیه مالیات را می‌پردازند، و هزینه‌های دولت در تابع مصرف آنان وارد نخواهد شد. این تابع‌ها به صورت زیر نوشته می‌شوند:

$$C_1 = a_1 + b_1(\alpha y + G) - G_c$$

$$C_2 = a_2 + b_2[(1 - \alpha)y - T]$$

برای محاسبه ضریب تکاثر مخارج جاری دولت:

$$C = C_1 + C_2$$

$$T = G = G_c$$

$$A = a_1 + a_2$$

$$C = A + \alpha y(b_1 - b_2) + G_c(b_1 - b_2) + b_2 y - G_c$$

$$Y = C + I + G$$

$$Y = \frac{1}{1 - \alpha(b_1 - b_2) - b_2} [A + G_c(b_1 - b_2) + I]$$

$$\Delta Y = \frac{b_1 - b_2}{1 - \alpha(b_1 - b_2) - b_2} \Delta G_c$$

$$\text{if } b_1 = b_2 \quad \frac{\Delta Y}{\Delta G_c} = 0$$

$$\text{if } b_1 > b_2 \quad \frac{\Delta Y}{\Delta G_c} > 0$$

$$\text{if } b_1 < b_2 \quad \frac{\Delta Y}{\Delta G_c} < 0$$

این مدل نشان می‌دهد که اگر دولت از افراد پردرآمد که میل نهایی به مصرف پایینی دارند مالیات بگیرد و به افراد کم‌درآمد که میل نهایی به مصرف بالایی دارند پرداخت

کند، هم به توزیع درآمد و عدالت اجتماعی کمک کرده است و هم باعث رشد شده، ولی اگر از افراد کم درآمد مالیات بگیرد و برای افراد پردرآمد هزینه کند هم توزیع نابرابر را افزایش داده و هم سرعت رشد اقتصادی را کاهش داده است.^۱

۳. الگوسازی

برای بررسی فرضیات تحقیق در سه قسمت الگوسازی شده است. ابتدا منابع درآمدی دولت بررسی می‌شود سپس محل مخارج دولت مشخص شده و نهایتاً میزان اثرگذاری مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود.

۳-۱. منابع درآمدی دولت

در ابتدا منابع درآمدی دولت مورد توجه قرار می‌گیرد تا مشخص شود کدام بخش جامعه بیشترین سهم را در تأمین منابع درآمدی دولت دارند که شامل درآمدهای ناشی از مالیات‌ها، بخش نفت و استقراض از بانک مرکزی می‌باشد.

۳-۲. محل هزینه‌های دولت

در این قسمت به محل هزینه‌های دولت توجه می‌شود بدین معنا که کدام دهک‌های جامعه بیشترین میزان جذب هزینه‌های دولت را داشته‌اند. که شامل مدل رگرسیونی، آزمون علیت گرنجر و یک مثال از یارانه‌ها می‌باشد.

۳-۲-۱. مدل رگرسیون

با کمک مدل رگرسیونی ARMA اثر مخارج دولت بر دهک‌های مختلف مصرفی محاسبه و مقایسه می‌شود. برای بررسی سیاست‌های مالی دولت بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی نیاز به تفکیک بخش مصرف خصوصی بود، بدین منظور ۳ گروه مصرفی تشکیل شد که گروه اول به نام C₁₄ دهک‌های اول، دوم، سوم و چهارم مصرفی بودند (به عنوان گروه فقیر جامعه) و گروه دوم به نام C₅₈ که دهک‌های پنجم، ششم، هفتم و هشتم بودند

۱. پژوهان، (۱۳۸۰).

(به عنوان گروه متوسط جامعه) و گروه سوم به نام C₉₁₀ که دهک‌های نهم و دهم مصرفی بودند (به عنوان گروه ثروتمند جامعه) در نظر گرفته شدند. GC نیز به عنوان مخارج جاری دولت معرفی شده است.

۲-۲-۳. آزمون علیت گرنجر

از آزمون علیت گرنجر برای مقایسه و بررسی میزان اثرگذاری GC بر هر یک از گروه‌های مصرفی استفاده شده است.

۳-۲-۳. یک مثال از یارانه‌ها

به عنوان نمونه‌ای از یارانه‌های پرداختی دولت، یارانه بنزین مورد بررسی قرار می‌گیرد همچنین با رسم یک نمودار، روند حرکت گروه‌های مصرفی و مخارج دولت در دوره مورد مطالعه بررسی می‌شود.

۳-۳. بررسی اثر مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی

در قسمت پایانی این بخش با کمک آزمون علیت گرنجر اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی به دست می‌آید.

۴. برآورد مدل

۴-۱. منابع درآمدی دولت

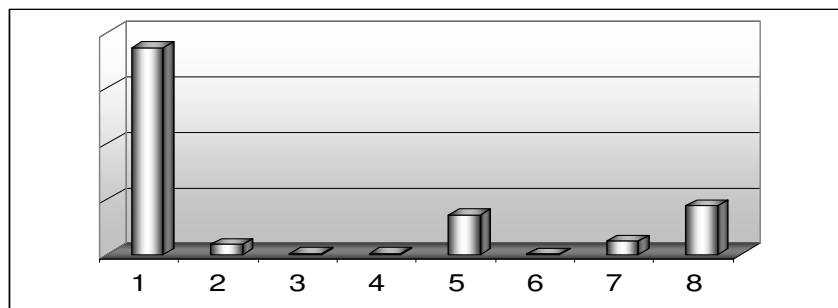
۴-۱-۱. مالیات‌ها

در این بررسی از داده‌های سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۵۰) استفاده شده (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹) و میانگین مالیات بر درآمد که بیشتر از دهک‌های کم درآمد یا متوسط جمع‌آوری می‌شود را با میانگین مالیات بر ارث، مالیات بر اراضی بایر، مالیات سالانه املاک، مالیات بر نقل و انتقال، مالیات بر مستغلات مسکونی خالی، مالیات بر اتومبیل و مالیات بر ثروت که بیشتر از دهک‌های مصرفی بالای درآمدی گرفته می‌شود مقایسه شده است. همان‌طور که در نمودار و جدول شماره یک مشاهده می‌شود، مالیات بر درآمد در مقایسه با هفت نوع

مالیات دیگر از حجم بزرگتری برخوردار است که می‌توان نتیجه گرفت حجم بزرگی از درآمد مالیاتی دولت از افراد کم درآمد و متوسط جامعه است.

جدول ۱- مقایسه انواع مالیات‌های دریافتی دولت

۷۱۱۱۹	۵- مالیات بر نقل و انتقال	۳۷۲۳۶۳	۱- مالیات بر درآمد
۳۹۴	۶- مالیات بر مستغلات مسکونی خالی	۱۷۸۳۸	۲- مالیات بر ارث
۲۳۵۳۳	۷- مالیات بر اتومبیل	۱۸۴۸	۳- مالیات بر اراضی بایر
۸۷۱۰۳	۸- مالیات بر ثروت	۷۹۴	۴- مالیات سالانه املاک



نمودار ۱- مقایسه انواع مالیات‌های دریافتی دولت

۲-۱-۴. درآمد گروه نفت

در مورد درآمد دولت ناشی از فروش گروه نفت باید به این نکته توجه کرد که این منابع متعلق به همه افراد جامعه است و گروه‌های مصرفی کم‌درآمد و متوسط (در این بررسی) ۸۰٪ کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند پس می‌توان نتیجه گرفت، بیشتر درآمد دولت نیز، متعلق به افراد کم‌درآمد و متوسط است تا افراد پردرآمد جامعه (دو دهک بالای درآمدی، ۲۰٪ جمعیت).

۳-۱-۴. استقراض از بانک مرکزی

در بررسی درآمد دولت ناشی از استقراض از بانک مرکزی نیز باید توجه کرد که چاپ اسکناس با سرعتی بیشتر از رشد تولید کالاها و خدمات، منجر به تورم می‌شود (که در سال‌های جنگ و پس از آن به کرات اتفاق افتاده است). تورم را می‌توان یک مالیات

سرانه بر همه کسانی که پول نقد دارند تصور کرد. افراد کم درآمد و متوسط بیشتر جزء کارمندان و کارگران در بخش های مختلف هستند. این افراد با قراردادهای حقوق مواجه اند و در واقع در ازای کار خود مبلغ مشخصی دریافت می کنند. این دستمزد و حقوق با سرعتی کمتر از تورم واقعی در جامعه رشد یافته که باعث کاهش قدرت خرید این دو گروه مصرفی شده است. در حالی که افراد دو دهک بالای درآمدی، بیشتر شاغلین بخش آزاد هستند. این افراد پول نقد زیادی نگهداری نمی کنند بلکه ثروت و فعالیت آنها بیشتر در املاک، محصولات، کالاهای بادوام و کالاهای تجاری آنها است. به این ترتیب با تورم، قیمت کالاهای آنها نیز افزایش می یابد و فشار تورمی خاصی به آنها وارد نمی شود. پس در واقع چاپ اسکناس نیز درآمدی برای دولت است که فشار واقعی آن به اقشار کم درآمد و متوسط جامعه تحمیل می شود.

بر اساس نتایج هر سه قسمت بخش اول بیشتر درآمد دولت از اقشار کم درآمد و متوسط جامعه است.

۲-۴. محل هزینه های دولت

در این قسمت با کمک روش های گوناگون تلاش می شود محل هزینه های دولت مشخص شود به بیان دیگر، کدام دهک های مصرفی جذب کننده اصلی مخارج دولت هستند.

۱-۲-۴. مدل رگرسیون

اطلاعات اولیه و آمار مربوط به متغیرهای مدل از گزارشات اقتصادی ترازنامه های سال های مختلف بانک مرکزی و همچنین نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری مرکز آمار ایران کسب شده است. در این بررسی، داده های سری زمانی (۱۳۸۶-۱۳۳۸) به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ به کار رفته است.

برای هر گروه مصرفی جداگانه رگرسیون با روش ARMA اجرا شده است. نتایج تخمین در جدول شماره (۲) ارائه گردیده است.

جدول ۲- تخمین با روش ARMA

	C910	C58	C14
Constant	۹۴۰۹/۹۶ t=۱/۲۵	۳۵۱۴/۹۰ t=۰/۲۹	-۱۰۰۸/۶۲ t=-۰/۱۳
GC	۰/۵۸ t=۵/۴۲	۰/۲۵ t=۲/۹۵	۰/۰۵ t=۱/۳۰
R-squared	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۸
F-statistic	۶۷۸/۷۰	۱۲۲۱/۳۵	۱۰۹۰/۷۹

هر سه تخمین دارای ضریب تشخیص (R^2) مناسب (۰/۹۸، ۰/۹۹ و ۰/۹۸) می‌باشند که قدرت توضیح‌دهندگی مدل را نشان می‌دهد. از سوی دیگر به علت $I(1)$ بودن همه متغیرها (C_{910} ، C_{58} ، C_{14} ، GC) و همچنین $I(0)$ بودن مقادیر باقیمانده هر یک از تخمین‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف ناماناً^۱ بودن متغیرها، به علت هم‌انباشتگی^۲ بین آنها، در بلندمدت مدل مانا و ضرایب، تخمینی قابل قبول از پارامترها در بلندمدت می‌باشند. بر اساس نتایج حاصل از تخمین سه گروه مصرفی، ضریب GC در C_{910} برابر ۰/۵۸ با $t=۵/۴۲$ و برای C_{58} برابر ۰/۲۵ با $t=۲/۹۵$ و برای گروه مصرفی C_{14} برابر ۰/۰۵ با $t=۱/۳۰$ است. همان‌طور که مشخص است، ضریب GC در دهک‌های پردرآمد بزرگتر و معنادارتر است، که نشان از اثرگذاری قوی‌تر مخارج جاری دولت در افزایش مصرف گروه‌های پردرآمد جامعه است. به بیان دیگر بیشتر هزینه‌های جاری دولت جذب افراد پردرآمد جامعه شده است.

۲-۲-۴. آزمون‌های علیت گرنجر

همچنین در این قسمت برای مقایسه و بررسی میزان اثرگذاری GC بر هر یک از گروه‌های مصرفی از آزمون علیت گرنجر استفاده شده است. نتایج در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

1. Non-Stationary.
2. Co-Integration.

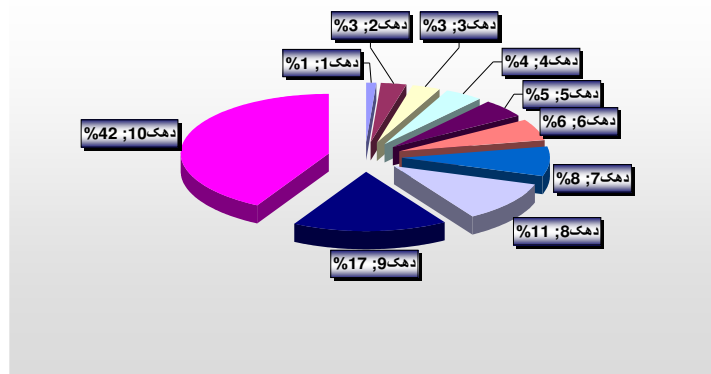
جدول ۳- آزمون علیت گرنجر بین مخارج جاری دولت و گروه‌های مختلف مصرفی

Pair wise Granger Causality Tests		
Sample: 1338 1386		
Lags: 2		
Null Hypothesis:	F-Statistic	Probability
C910 does not Granger Cause GC	1.46708	0.24525
GC does not Granger Cause C910	5.60444	0.00803
C58 does not Granger Cause GC	0.74282	0.48356
GC does not Granger Cause C ₅₈	0.53015	0.59344
C14 does not Granger Cause GC	0.55750	0.57794
GC does not Granger Cause C ₁₄	0.25078	0.77966

اثر مصرف بر مخارج جاری دولت بی‌معنی است که این را تئوری نیز بیان می‌کند و اثر GC بر مصرف نیز فقط در بخش C₉₁₀ بصورت علیت کامل ثابت می‌شود. نحوه تفسیر نتایج آزمون علیت گرنجر بدین صورت است که به عنوان مثال در سطر آخر جدول شماره ۳ فرض H₀ می‌گوید GC علت C₁₄ نیست، این فرض با آماره F برابر ۰/۲۵ و احتمال ۰/۷۷ قابل رد شدن نیست. با مقایسه اثر GC بر گروه‌های مختلف مصرفی نتایج به دست می‌آید. اثر GC بر C₉₁₀ دارای آماره F برابر ۵/۶۰ می‌باشد، در حالی که همین آماره برای C₅₈ برابر ۰/۵۳ و برای C₁₄ برابر ۰/۲۵ می‌باشد که نشان از اثرگذاری قوی‌تر GC بر گروه‌های پردرآمد جامعه دارد. این نتایج با نتایج تخمین مصرف گروه‌های مختلف مصرفی مطابقت دارد. به بیان دیگر هرگاه مخارج جاری دولت به دلایل گوناگون افزایش یافته است این افزایش جذب مصرف ثروتمندترین اقشار جامعه شده است.

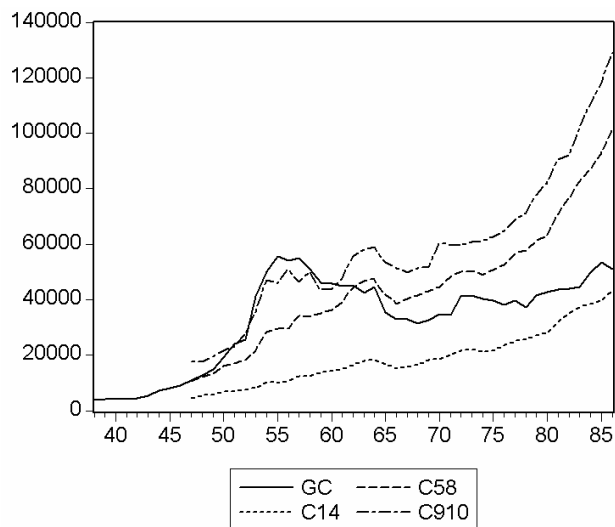
۳-۲-۴. یک مثال از یارانه‌ها

به عنوان نمونه‌ای از پرداخت‌های انتقالی دولت، یارانه بنزین مورد بررسی قرار می‌گیرد. این اطلاعات مربوط به دوره (۸۳-۱۳۳۸) می‌باشد و قبل از سهمیه‌بندی بنزین محاسبه شده است. در نمودار شماره ۲ سهم هر دهک مصرفی از یارانه بنزین محاسبه شده است.



نمودار ۲- سهم هر دهک از یارانه بنزین

دهک دهم ثروتمندترین و دهک اول فقیرترین گروه مصرفی است. مشخص است که بیش از ۵۹٪ از یارانه بنزین جذب ثروتمندترین اقشار جامعه یعنی C₉₁₀ شده است. و گروه C₁₄ که ۴۰٪ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد فقط ۱۱٪ از کل یارانه بنزین را دریافت کرده است.



نمودار ۳- منحنی گروه‌های مختلف مصرفی و مخارج جاری دولت در دوره ۸۶-۱۳۳۸

در نمودار شماره ۳ نیز که مصرف گروه‌های مختلف و GC در آن رسم شده، می‌توان اثرپذیری قوی تر C₉₁₀ را از حرکت GC نسبت به دو گروه دیگر مشاهده کرد. شوک نفتی سال‌های ۵۲ و ۱۳۵۱ باعث افزایش GC و به دنبال آن رشد شدید C₉₁₀ شده است، در حالی که مصرف دو گروه دیگر تغییر چندانی ندارد.

نتایج بخش دوم برآیند مدل در این مقاله به صورت کل نشان می‌دهد که بیشتر مخارج جاری دولت نهایتاً در سبب مصرفی گروه‌های پردرآمد جامعه قرار می‌گیرد تا افراد کم‌درآمد.

۴-۳. بررسی اثر مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی

رابطه مخارج جاری دولت و رشد تولید ناخالص ملی (Growth-GNP) را با کمک آزمون علیت گرنجر بررسی می‌کنیم. نتایج برآورد در جدول شماره چهار نشان داده شده است.

جدول ۴- آزمون علیت گرنجر بین مخارج جاری دولت و رشد اقتصادی

Pairwise Granger Causality Tests		
Sample: 1338 1386		
Lags: 2		
Null Hypothesis	F-Statistic	Probability
GROWTHGNP does not Granger Cause GC	12.70580	0.00005
GC does not Granger Cause GROWTHGNP	2.37996	0.10523

بر اساس نتایج تخمین اثر رشد اقتصادی بر مخارج جاری دولت با آماره F برابر ۱۲/۷۰ به صورت علیت کامل ثابت می‌شود، در حالی که اثر مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی با آماره F برابر ۲/۳۷ در سطح اطمینان ۸۹/۵٪ قابل قبول است. این اختلاف به خوبی نشان می‌دهد مخارج جاری دولت نتوانسته اثر واقعی خود را در رشد اقتصادی ایفا کند بلکه در دوره‌هایی که رشد اقتصادی به علل دیگر از قبیل شوک‌های نفتی افزایش یافته، مخارج جاری دولت نیز افزایش یافته است.

جمع‌بندی و ملاحظات

در بخش اول برآورد مدل، مشخص شد که بخش اعظم درآمدهای دولت از اقشار کم‌درآمد و متوسط است، در بخش دوم مشاهده شد که بیشتر مخارج جاری دولت جذب ثروتمندترین گروه جامعه می‌شود و در قسمت آخر نتیجه این روند یعنی اثرگذاری ضعیف مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی به دست آمد. شاید بتوانیم این روند را توزیع مجدد درآمد معکوس بنامیم زیرا ثروت از فقرا جذب و برای اغنیا خرج می‌شود. این نتایج با مدل بیان شده در قسمت ضریب تکاثری مخارج دولت مطابقت دارد. به این معنی که در کشور ما، توزیع مجدد درآمد به درستی شکل نمی‌گیرد و درآمدهای دولت بیشتر از افراد کم‌درآمد و متوسط، و مخارج دولت بیشتر جذب گروه پردرآمد می‌شود که بر اساس مدل، چنین رفتاری منجر به افزایش شکاف طبقاتی و کند شدن سرعت رشد اقتصادی می‌شود.

پیشنهادات

این تحقیق برای دوره زمانی ۸۶-۱۳۳۸ اجرا شده است و لازم به تذکر است در چند سال اخیر اقدامات ارزشمندی از قبیل سهمیه‌بندی بنزین و توجه به اقشار کم‌درآمد در دستور کار دولت قرار گرفته است ولی به علت گستردگی آثار سوء این موضوع، نیاز به اصلاحات گسترده اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس طرح تحول اقتصادی دولت، یکی از جنبه‌های مهم، توجه به اصلاح نظام مالیاتی و هدفمند کردن یارانه‌ها است که برای اجرای کامل آن و رفع مشکلات پیش رو پیشنهادات زیر ارائه گردیده است:

ابتدا به جای روش آزمون و خطا مروری بر تجربیات کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌شود. در این کشورها عموماً یک سیستم مالیاتی قوی وجود دارد که اطلاعات کاملی در مورد دارایی‌ها و درآمدهای همه شهروندان آن کشور دارد. وقتی فردی هزینه عمده‌ای انجام می‌دهد قبل از معامله با اداره مالیات هماهنگی صورت می‌گیرد که خریدار، پول مبادله را از چه منبعی به دست آورده و آیا مالیات آن را پرداخت کرده است یا نه. بدین ترتیب امکان خرج کردن پول کثیف (پولی که از راه غیرقانونی به دست آمده یا مالیات

آن پرداخت نشده) وجود ندارد. بدین ترتیب رشوه، رانت خواری، فرار مالیاتی، فعالیت‌های زیرزمینی و حتی بخش بزرگی از فعالیت‌های غیرقانونی به علت ناتوانی مجرمین در هزینه کردن پول کثیف و وادار کردن آنان به روش‌های پولشویی که خود جرم و دارای پیگرد قانونی است و اجرای آن مشکلات فراوانی دارد کاهش می‌یابد. از سوی دیگر با داشتن اطلاعات کامل افراد امکان هدفمند کردن درست یارانه‌ها نیز مهیا می‌شود. کنترل شبکه توزیع نیز از دیگر فواید این سیستم است در واقع دولت می‌تواند با تنظیم فشار مالیاتی، کلیه فعالیت‌های اقتصادی در جامعه را تحت نظارت خود نگاه دارد به عنوان نمونه بر فعالیت‌های واسطه‌گری که در بعضی موارد صرفاً باعث افزایش قیمت تمام شده می‌شود مالیات بالایی وضع کند تا سرمایه‌ها به سوی فعالیت‌های تولیدی سوق یابد.

برای اجرای چنین سیستمی در ایران مرحله نخست صدور کارت ملی و جمع‌آوری اطلاعات خانوار است که اجرا شده است مرحله بعد اصلاح اطلاعات دریافت شده از خانوارها است. به طور مثال از آنجا که کلیه خودروها به نام صاحبانشان شماره‌گذاری می‌شوند با استعلام می‌توان به صحت اطلاعات جمع‌آوری شده پی برد. برای املاک نیز با کمک شهرداری هر منطقه مالکیت هر ملک مشخص شود سپس زمانی برای اعلام مالکیت هر ملک که صاحبش مشخص نشده تعیین می‌شود و در صورت عدم مراجعه می‌توان جهت مصادره ملک یا تعیین جریمه سنگین در آینده اقدام شود. به همراه کامل کردن اطلاعات دارایی‌ها اطلاعات مربوط به درآمد نیز باید اصلاح شود. این اطلاعات با اطلاعات سازمان تامین اجتماعی و بخش مالیات بر ارزش افزوده کنترل و مطابقت داده می‌شود. کلیه اطلاعات در پایگاه داده مرکز آمار ایران جمع‌آوری و با شماره ملی هر فرد، دارایی و درآمدهای خود و خانواده تحت سرپرستیش مشخص می‌شود. وجود چنین سیستمی می‌تواند نقش ارزشمندی در کاهش شکاف طبقاتی، افزایش سرعت رشد اقتصادی و همچنین بهبود و توسعه همه جانبه اقتصاد داشته باشد.

منابع

- ابریشمی، حمید، محسن مهر آرا و پریسا خطابخش (۱۳۸۴)؛ «بررسی رابطه‌ی رشد و توزیع درآمد در ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۵۲-۱۳.
- ابونوری و حسین اژدری (۱۳۷۸)؛ «اثر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی، یک تحلیل بین کشوری با تاکید بر ایران»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۳۲.
- ابونوری و آرش خوشکار (۱۳۸۵)؛ «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۷، بهمن و اسفند، صص ۹۵-۶۵.
- ارسلان‌بد (۱۳۸۳)؛ «تغییرات توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۵، بهار.
- بانک مرکزی، اداره بررسی‌های اقتصادی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی، تهران.
- بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف، بانک مرکزی، تهران.
- پروین (۱۳۷۳)؛ «توزیع درآمد و تداوم رشد»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲، صص ۴۵-۲۶.
- پروین و راضیه زیدی (۱۳۸۰)؛ «اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد (مطالعه موردی سیاست‌های برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران)»، مجله تحقیقات اقتصادی، زمستان، صص ۱۲۵-۱۱۳.
- پژویان (۱۳۸۰)؛ «اقتصاد بخش عمومی»، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- جنانی (۱۳۷۳)؛ «اندازه دولت و رشد اقتصادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.
- حسینی (۱۳۷۸)؛ «تابع مطلوبیت دولت و نقش عوامل موثر بر آن در اقتصاد ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.
- داوودی و محمد علی براتی (۱۳۸۶)؛ «بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۳، تابستان.

سازمان برنامه و بودجه؛ سری زمانی آمارهای اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی و انتشارات، تهران.

سپهری (۱۳۷۱)؛ تأثیر سیاست‌های کلان بر توزیع درآمد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد.

شاهچرا (۱۳۸۰)؛ جهت‌گیری مناسب هزینه‌های جاری و عمرانی دولت جهت دستیابی به رشد اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد خوراسگان.

شفیعی، شهزاد برومند و احمد تشکینی (۱۳۸۵)؛ «آزمون تأثیر گذاری سیاست مالی بر رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۳، صص ۱۸۱-۱۵۳.

صالحی‌دشتی (۱۳۷۷)؛ علل بزرگ شدن دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد خوراسگان.

عبدالله میلانی (۱۳۸۰)؛ تأمین اجتماعی و آثار توزیعی آن بر اقتصاد ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد.

عیسی‌زاده روشن (۱۳۷۶)؛ رشد درآمدهای مالیات و ایجاد ارتباط منطقی بین بودجه دولت و درآمدهای مالیاتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.

گجراتی (۱۳۸۳)؛ مبانی اقتصادسنجی، ج ۱ و ۲، ترجمه حمید ابریشمی، دانشگاه تهران.
گرچی (۱۳۷۶)؛ «اثرات سیاست‌های اقتصادی دولت بر توزیع درآمد»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲.

محمودی (۱۳۸۳)؛ «بررسی تحولات توزیع درآمد در برنامه اول توسعه (۷۳-۱۳۶۸)»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۳، زمستان.

مرکز آمار ایران؛ نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری، مرکز آمار ایران، تهران.

میرزائی (۱۳۷۹)؛ اثرات سیاست مالی بر مصرف بخش خصوصی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.

نادران و معصومه فولادی (۱۳۸۴)؛ «ارائه یک مدل تعادل عمومی برای بررسی آثار مخارج دولت بر تولید، اشتغال و درآمد خانوار»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۹،

صص ۴۵-۷۹.

نوفروستی (۱۳۷۸)؛ ریشه واحد و هم‌مجمعی در اقتصادسنجی، انتشارات رسا، تهران.
 نیلی و علی فرح‌بخش (۱۳۷۷)؛ «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، مجله‌ی برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۱۵۴-۱۲۱.

- Anwar, S. (2003); "Increased Input Supplies, Government Size Welfare and Trade in the Presence in Increasing Returns". *Journal of Economics*, Vol. 78, pp. 259-272.
- Bairam, E. (1990); "Government Size and Economic Growth in the African", *Applied Economics*, pp. 1427-1435.
- Barro, R. J. (1990); "Government Spending in a Simple Model of Endogenous Growth", *Journal of political Economy*, pp. 103-125.
- Barro, R. J. (1991); "Economic Growth in a Cross-Section of Countries". *Quartely, Journal of Economics*, pp. 407-444.
- Dadkhah K. M. (2001); "*Income Distribution and Economic Growth in the United States: 1947-2001*", Department of Economics, Northeastern University, Boston.
- Easterly. W. and Rebelo, S. (1993); "Fiscal and Growth", *Journal of Monetary Economics*, pp. 417-458.
- Garcia F. and A. C. Banderia (2004); "*Economic Reforms, Inequality and Growth in Latin America and the Caribbean*", University of So Paulo, School of Economics and Business.
- Gutierrez R., (2001); "An Assessment of the Relationship Among Poverty, Wealth Distribution and Growth Empirical Analysis for Mexico".
- Lindauer, D. L. and A. D. Velenchik. (1992); "Government Spending in Developing Countries", *The World Bank Research Observer*, pp. 59-78.
- Panizza, Ugo (2002), "Income Inequality and Economic Growth: Evidence from America data", *Journal of Economic Growth*, 7, pp 25-41.
- Perotti, R. (1992); "Income Distribution, Politics and Growth", *American Economic Review*, pp. 343-347.
- Strauss, T. (2001); "Growth and Government: Is There a Difference Between Developed and Developing Countries", *Economics of Governance*, Vol. 2, pp. 135-157.